

بررسی تکرار در قرآن از کتاب راهنمای قرآن Blackwell*

دل آرا نعمتی پیرعلی** و صدیقه پروان***

چکیده

نقد و بررسی و پاسخگویی به آراء خاورشناسان در خصوص قرآن کریم، همواره یکی از دغدغه‌های قرآن‌پژوهان مسلمان بوده است. در اعتقاد مسلمانان، قرآن کلام الهی است و کلام و متن آن از حجیت کامل برخوردار است؛ اما مستشرقان ضمن عدم پذیرش این مطلب، شبهاتی را درباره متن قرآن کریم مطرح می‌کنند. از جمله شبهات مستشرقان این است که تکرار آیات قرآن را دلیلی بر غیر وحیانی بودن قرآن دانسته‌اند؛ زیرا به‌باور آنان، تکرار در قرآن موجب آشفتگی، عدم انسجام و ابهام در متن قرآن شده است. چنین استنتاجی مسبوق به عوامل متعددی است از جمله: پیش‌فرض غیروحیانی بودن قرآن، مراجعه ناقص به قرآن، برداشت سلیقه‌ای از متن قرآن و بی‌توجهی به شیوه‌های بیانی و اهداف تربیتی قرآن کریم از تکرار آیات؛ زیرا اهداف تربیتی، تعیین‌کننده شیوه‌های بیانی قرآن، آن هم مطابق با مقتضای حال مخاطبان و موقعیت‌های بیانی کلام است. از آنجاکه هدایت و تربیت از اهداف مهم قرآن کریم است، تکرار به‌عنوان یکی از شیوه‌های کارآمد تربیت در قرآن مورد اهتمام قرار گرفته و اهدافی همچون تحریک و تحریض، تنبیه و تذکر، تثبیت، تلقین، تهدید، هشدار و الگوسازی را مورد توجه قرار داده است. آنچه می‌توان گفت این است که تکرار یک موضوع، در هر موضع، رسالتی ویژه برعهده داشته و هدفی خاص را پی می‌گیرد که تنها با شناخت زبان قرآن و لطایف و اشارات آن و نیز درک اهداف و شیوه‌های بیانی قرآن می‌توان بدان راه یافت. در این پژوهش، گردآوری اطلاعات به روش اسنادی - کتابخانه‌ای همراه با تحلیل محتوا است.

کلید واژگان: زبان قرآن، تکرار، خاورشناسان، راهنمای قرآن، Blackwell.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۱۹ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۰۲/۱۹.

** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج (نویسنده مسئول): delara.nemati@kiauo.ac.ir

*** دانشجوی دکتری دانشگاه علوم و معارف قم: parvansd@gmail.com

مقدمه

از آنجاکه جریان فکری شرق‌شناسی به معنای خاص آن - قرآن‌شناسی - با انگیزه‌ها و زمینه‌های متفاوت و متعددی در جوامع غربی بروز و ظهور و گسترش یافته است و شرق‌شناسان بر اساس عقاید، سلیق، دیدگاه‌ها و نوع اطلاعاتشان از جهت کمی و کیفی، آراء متفاوتی در خصوص قرآن کریم و تعالیم آن ارائه داده‌اند، در مواردی مشاهده می‌شود که با اسلوبی ناقص و نیت و هدفی متفاوت به مسائل نگریسته و مناقشاتی بر قرآن وارد کرده‌اند.

تحقیق حاضر بر آن است تا به نقد و بررسی شبهه تکرار آیات قرآن بپردازد که در مقاله دوم و سوم بخش نخست کتاب «The Blackwell Companion to the Quran» با عنوان «Orientation» (فضای بحث)، توسط نویسندگان مقالات مذکور مطرح شده است. کتاب موردتحقیق به سرویراستاری اندرو ریپین، در سال ۲۰۰۶ میلادی، در بخش انتشارات راهنمای ادیان (Blackwell^[1]) منتشر شد که شامل ۳۲ مقاله بوده که به جنبه‌های مختلف مطالعات قرآنی پرداخته است. مقالات دوم و سوم بخش نخست این کتاب و نام مؤلفان آن‌ها بدین قرار است:

بخش نخست - فضای بحث:

شّاف سازی (کریستوفر باک) (Discovering (Christopher Buck)

متن سازی (عبدالله سعید) (Contextualizing (Abdullah Saeed)

کریستوفر باک دارای مدرک دکترا در رشته مطالعات اسلامی از دانشگاه تورنتو است. وی یک محقق آزاداندیش و خاورشناس است. عبدالله سعید مدرک دکترای خود را در رشته مطالعات اسلامی از دانشگاه ملبورن استرالیا دریافت کرد. او هم‌اکنون استاد مطالعات اسلام و زبان عربی دانشگاه ملبورن است. این خاورشناسان شبهه ابهام در متن قرآن را از جنبه (تکرار در متن قرآن) طرح کرده‌اند.

پیشینه تحقیق

کتاب‌های زیادی در مورد «تکرار» در قرآن به رشته تحریر در آمده است که برخی از آنها عبارت‌اند از:

- ۱- الاعجاز فی دراسات السابقین، عبدالکریم الخطیب، دارالفکر العربی، ۱۹۷۴ م؛
- ۲- اسرار التکرار فی لغة القرآن، محمود السید الشیخون، قاهره، مکتبه الکیات الازهریه، ۱۴۰۳ق؛
- ۳- ظاهرة التکرار فی القرآن الکریم، عبدالمنعم السید حسن، مصر، دارالمطبوعات الدولیه،

۱۴۰۰ق؛

- ۴- التکرار، حسین نصارة، قاهرة، مكتبة الخانجي، ۱۴۲۳ ق؛
- ۵- شبهات وردود، معرفت، قم: التمهيد، ۱۴۲۳ ق؛
 علاوه بر این، مقالات متعددی نیز در این زمینه نگاشته شده است:
- ۱- «دراسات في القصص القرآني: التكرار في قصص القرآن»، عبدالکريم الخطيب، مجله الوعى الاسلامى، السنة الثامنة، ذى الحجة ۱۳۹۲ العدد ۹۶؛
- ۲- «بديده تکرار در قرآن و مسئله ترجمه آن»، کریمی نیا، مرتضی، مجله ترجمان وحی، شهریور ۸۰، شماره ۹؛
- ۳- «تکرار در قصه‌های قرآنی»، سید ابوالقاسم حسینی (ژرفا)، مجله گلستان قرآن، نیمه اول مرداد ۱۳۸۳، شماره ۱۷۹؛
- ۴- «تجزیه و تحلیل علت تکرار الفاظ و مفاهیم قرآن»، پریچه ساروی، قم: عرش اندیشه، ۱۳۸۴ ش؛
- ۵- «تکرار در قصه‌های قرآن از دیدگاه عبدالکريم خطيب با تکیه بر داستان حضرت موسی (علیه السلام)»، عبدالله فروزان‌فر، نهله غروی نایینی، شادی نفیسی، مجله تحقیقات علوم قرآن و حدیث، بهار ۱۳۹۳ - شماره ۲۱؛
- ۶- «حکمت تکرار آیات در قرآن مجید»، علی مشتاق مهر، سید عبدالحمید حسینی‌زاده، مجله تفسیر پژوهی، بهار ۹۵، شماره ۵؛
- ۷- «معناشناسی تصریف آیات و رابطه آن با تکرار در قرآن با محوریت آیه ۸۹ اسراء و آیه ۱۱۳ طه»، مصطفی محمودی صاحبی، محمدعلی مجدقیهی، مجله مطالعات تفسیری، پاییز ۹۷، شماره ۳۵؛
- درباره‌ی پاسخگویی و نقد و بررسی شبهات مطرح شده در دو مقاله بخش نخست کتاب (The Blackwell Companion to the Quran) تا آنجا که جستجو شد، مورد تحقیق قرار نگرفته است. بعضی نظرات مطرح شده در این مقالات، به نوبه‌ی خود بدیع و نو بوده که در این پژوهش تلاش شده است به صورت علمی، با استناد به منابع معتبر به آن‌ها پاسخ داده شود.
- در اینجا به بیان دیدگاه این خاورشناسان، و سپس به بررسی و نقد آن می‌پردازیم.

دیدگاه کریستوفر باک و عبدالله سعید درباره تکرار آیات در قرآن

کریستوفر باک در این باره می‌نویسد: قرآن یک متن چالش دار است و در نگاه اول این کتاب هم ساده و هم مبهم به نظر می‌رسد. برای افراد تعلیم‌ندیده و ناآشنا، به عنوان مثال در نگاه غربی‌هایی که

برای فهم و درک متن آمادگی ندارند، قرآن در نظر اول ممکن است، رازگونه و تکراری و غیرقابل نفوذ به نظر آید که موضوع تفسیری عمیق تری در آن نهفته است. وی معتقد است: قرآن یک سری چالش های یکسان و مشابه را برای مفسران و خوانندگان قرآن به وجود می آورد. بسیاری از خوانندگان غربی از این شکایت دارند که قرآن گنگ و مبهم و یکنواخت و تکراری است. شخص هر چه بیشتر قرآن را می خواند، بیشتر این حس دست می دهد که قرآن خودش را تکرار می نماید (Christopher Buck " Discovering ", The Blackwell Companion to the Quran, 2006, p.20).

عبدالله سعید می گوید: برای بسیاری از غیرمسلمانان و یا حتی مسلمانانی که با قرآن آشنایی ندارند، به چند دلیل ناشی از کمی آشنایی با متن قرآن، زمان، مکان، مردم و شرایط و ساختار متن که موانعی برای فهم سریع آن فراهم می کند، خواندن و درک آن، چه ترجمه و چه به صورت عربی بسیار دشوار است (AbdullahSaeed" Contextualizing ", The Blackwell Companion to the Quran, 2006, p.37) وی در مقاله خود، به سوره های طولانی قرآن (مانند سوره های مدنی) نیز نسبت تکرار و پراکنده گویی می دهد (Ibid, p.46)

بررسی

این قبیل شبهات که به قرآن برجسب ابهام، تکرار و پراکنده گویی می زند، ناشی از نوع برخوردی است که برخی از مسلمانان و خاورشناسان با قرآن داشته اند، برخوردی که در آن عمدتاً به منطوق و دلالت مستقیم الفاظ توجه شده و مفاهیم، لطایف و اشارات غیرمستقیم آیات مغفول می ماند (لسانی فشارکی، روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم، ۱۳۸۹: ۲۲). کما این که در احادیث و روایات نیز تأکید شده است؛ امام علی علیه السلام می فرماید: «ذلک القرآن فاستنطقوه و لن ینطق (شریف رضی، نهج البلاغه، خطبه ۲۱۰/۱۵۸)؛ از قرآن بخواهید تا سخن گوید، و الا هرگز سخن نخواهد گفت.» و خاک پاک آن را باید زیرورو کرد تا گوهرهای آن پدیدار گردد (زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۴۱۰: ۷/۱؛ ثعالبی مالکی، تفسیر جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۸: ۱/۱۲۳). این کتاب به گونه ای تنظیم شده است که عبارت های آن علاوه بر معانی ظاهری، دارای معانی باطنی بسیار عمیقی است. قرآن کریم، حبل الله و مایه سعادت و رستگاری نوع انسانی است. از این رو، باید تمامی مضامین و قوانین لازم برای هدایت بشری را در خود جای دهد. خداوند تبارک و تعالی قرآن را به عنوان نسخه جامع رهایی بخش، در بهترین شکل برای هدایت بشر فرستاد. او قوانین کلی را به صراحت و یا در قالب امثال و حکم، داستان ها و سرگذشت پیشینیان ذکر نمود تا مردم با تعیین مصادیق و ربط آنها به کلیات مذکور در آیات شریف، راه درست را برگزیده و

از تحیر و سرگردانی نجات یابند. بنابراین، اگر بعضی تصور می‌کنند که قرآن، چندان حرفی برای گفتن ندارد، به خاطر آن است که مطالعه آنان توأم با تدبر و استنتاج و کاوش نبوده است و به اهداف تربیتی آن توجه نکرده‌اند.

تکرار متن قرآن اعم از کلمات، جمله و آیه، از ابتدا در قرآن به همین وضع بوده و به فصاحت و بلاغت آن هیچ لطمه‌ای نزنده است؛ و فصاحت و بلاغت بی نظیر قرآن در حدی است که دسترسی به این‌گونه فصاحت و بلاغت برای همه امکان‌پذیر نیست؛ و همچنین قرآن علاوه بر انتشار در میان مسلمانان، بین مشرکان و معاندان اسلام نیز رواج داشت. در زمانی که شاعران و ادیبان زیادی پرورش یافته و فصاحت و بلاغت در اوج کمال قرار داشت، بزرگ‌ترین ادیبان اعتراف می‌کردند که قرآن از چنان نظم و ساختاری برخوردار است که دیگران از آوردن آن عاجزند و ناچار شدند که آن را سحر و جادو معرفی نمایند (معرفت، تناسب آیات و سوره، ۱۳۷۳: ۳۵)؛ بنابراین اگر این ادعای خاورشناسان درست بود، حتماً بلیغان عرب که خیلی بهتر از این خاورشناسان به فصاحت و بلاغت زبان عربی آشنا بودند، به علت تکرار آیات، به قرآن خرده می‌گرفتند. از این‌رو، می‌توان گفت: عدم درک مفهوم صحیح آیات و موضوع و پیام کلی سوره‌ها به علت آشنا نبودن با ویژگی‌های اهداف تربیتی قرآن، منجر به تصور تکرار در آیات قرآن کریم شده است.

تکرار در قرآن کریم

یکی از وجوه بارز زبان قرآن، مطابقت آن با مقتضای حال مخاطب و انطباقش با مقام و موقعیت کلام است. اقتضائات و موقعیت‌های مختلف و تأمین اهداف متعدد، موجبات تکرار در یک موضوع در قرآن کریم را فراهم آورده است. باید توجه داشت که هر تکرار حاوی پیام‌هایی خاص و اهدافی خاص را مورد توجه قرار داده است. از این‌رو، می‌توان گفت: تکرار در قرآن به سبب تعدد غرض‌هاست؛ مطالب و قصه‌های قرآن در هر جا به خاطر غرضی خاص، تکرار شده است. بعضی از مفسران بر این اعتقادند که یک آیه در هر بار تکرار، معنای ویژه‌ای را القا می‌کند (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۴۳۱/۲۵).

قرآن که در طول ۲۳ سال بر پیامبر ﷺ نازل شده، چه بسیار لازم بود که برای تربیت و راهنمایی مردم یک مطلب یا یک داستان پندآموز چند بار تکرار شده و هر بار به مطلبی از آن اشاره شود. در روش قرآن آنچه مهم است، تناسب مطلب با هدف تربیتی خاصی است که آیه برای آن آمده است (جعفری، تفسیر کوثر، ۱۳۷۶: ۵۰۱/۲).

۱- تکرار، یکی از شیوه‌های تربیتی

قرآن کتاب تربیت است. در کتاب تربیت و هدایت، گاهی باید مسائل تربیتی برای کسی که مورد تربیت قرار می‌گیرد، تکرار شود. هر مربی و معلمی، مطالبی را مکرر برای شخص مورد تربیت می‌گوید تا برایش ملکه شود و در ذهن و جان او جای گیرد و به صورت ثابت درآید؛ این تکرار اشکال ندارد. در نظام تعلیم و تربیت امروزی نیز، کسی تکرار را منع نمی‌کند. البته تکرار نباید ملال‌آور و خسته‌کننده باشد، بلکه لازم است در حد ضرورت و مصلحت باشد. قرآن نیز که کتابی تربیتی است، از همین روش استفاده کرده است. بنابراین، باید گفت:

اول: گاهی با توجه به شرایط و مقتضیات سخن، تکرار ضرورت پیدا می‌کند؛

دوم: تکرارهای قرآن فایده‌های تربیتی داشته و هر تکراری ناپسند نیست. خدا حکیم است و قرآن، کلام خدا نیز دارای حکمت است. بنابراین، قرآن از بیهوده‌گویی به دور بوده و هدفمند است و هدف مهم آن، عاقل ساختن انسان است (جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم، قرآن در قرآن، ۱۳۷۸: ۲۳۰) تا در سایه آن به هدف نهایی خود (هدایت و سعادت انسان) دست یابد، پس برای رسیدن به این منظور، از شیوه‌های مختلف تربیتی، مثل تکرار و ... استفاده شده است (همو، تفسیر تسنیم، ۱۳۸۳: ۱ / ۴۴-۵۲)؛

سوم: تکرار در آیات قرآن برای تذکر و پندگیری است و انسان پیوسته نیازمند تذکر است و چه بسا در هر بار تکرار، گروهی جذب شوند (قرآنی، تفسیر نور، ۱۳۸۳: ۶۶/۷)؛

چهارم: با توجه به اینکه شیاطین انسی و جنی مکرراً در ضمیر انسان‌ها وسوسه می‌کنند، بنابراین تکرار کلام حق نیز برای خنثی نمودن وسوسه شیاطین ضروری است. آیت‌الله جوادی آملی در این باره می‌گوید:

«تکرار در قرآن کریم از آن روست که قرآن کتاب نور و هدایت است و در مقام هدایت لازم است مطلب واحد، در هر مناسبت، با زبانی خاص ادا شود تا ویژگی موعظه داشته باشد؛ برخلاف کتب علمی که هر مطلب، تنها در یکجا بیان می‌شود و تکرار آن سودمند نیست، سرّ لزوم تکرار در کتاب هدایت آن است که شیطان و نفس اماره که عامل ضلالت و عذاب‌اند، پیوسته به گمراه کردن آدمی مشغول‌اند و کار آنها گرچه گاهی کم می‌شود، لیکن ترک نمی‌شود. از این رو تکرار ارشاد و هدایت نیز ضروری است (جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ۱۳۸۳: ۵۱/۱-۵۲).

به عبارت دیگر می‌توان گفت: کلام قرآن از سویی متوجه مخاطب خاص خود در عصر نزول است و بنا بر نیازهای آن مخاطبان و شرایط زمانی و مکانی متفاوت آنان، تکرار مطالب نیز مورد

استفاده قرار گرفته است تا هرچه بهتر اهداف تربیتی در خصوص آنان تأمین گردد. به همین دلیل است که شناخت فضای نزول آیات و نیز آگاهی از اسباب نزول در فهم قرآن مؤثرند. و از سویی دیگر بیانات قرآن کریم مخاطب عام را در طول اعصار مورد توجه قرار داده و از تکرار مطالب و موضوعات، اهداف هدایتی و تربیتی خاصی را پی گرفته است. بی شک توجه به این مسئله موجب رمزگشایی از تکرارهای قرآن و کشف اهداف تربیتی و هدایتی آن می‌گردد.

۲- اهداف تربیتی تکرار در قرآن کریم

قرآن، کتاب انسان‌سازی و جامعه‌سازی است. این مقصد از راه پرداختن به تمام موضوعاتی که به‌گونه‌ای با این دو مقوله در ارتباطند، تأمین می‌گردد (قنادی، قرآن‌شناسی، ۱۳۸۶: ۱۴۰). تکرار موضوعات تربیتی یکی از موارد مرتبط با هدایت انسان و جامعه است و موجب نهادینه کردن آن موضوع در ذهن می‌گردد. در قرآن کریم گاهی تکرار از یک کلمه تا یک عبارت یا آیه دیده می‌شود که به منظور دستیابی به اهداف تربیتی خاص اتفاق می‌افتد که به آنها می‌پردازیم:

۲-۱. هدایت افکار و فطرت‌ها

آیه: ﴿يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ﴾ (یونس/ ۳۱) چندین بار در قرآن تکرار شده است.

در روایات اهل بیت علیهم‌السلام هست که در تفسیر آیه فرموده‌اند: «تخرج المؤمن من الكافر وتخرج الكافر من المؤمن» یعنی مؤمن را از صلب کافر و کافر را از صلب مؤمن خارج می‌سازد، در قرآن مجید به کافر «میت» گفته شده و به مؤمن «حی» مثل: ﴿إِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَى﴾ (نمل/ ۸۰) که مراد کفار هستند و مانند: ﴿أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ﴾ (انعام/ ۱۲۲)، معلوم است که مراد زندگی و مرگ معنوی است (قرشی، تفسیر احسن الحدیث، ۱۳۷۷: ۵۰/۲). به استناد آیه شریفه ﴿قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ﴾ (یونس/ ۳۵)؛ بگو: تنها خدا به حق هدایت می‌کند. «خداوند با ارائه راه‌ها، راهکارها و ادله هدایتگر، بندگان را هدایت می‌کند (کاشانی، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ۱۳۳۶: ۳۷۵/۴)؛ و بیدار ساختن افکار و هدایت وجدان‌ها ایجاب می‌کند که بنا بر اقتضاء و به منظور تأمین هدف هدایتی، از یک موضوع در موارد مختلف به‌طور مکرر سخن به میان آید.

۲-۲. تحریض و تشویق

قرآن، بهترین روش را برای هدایت برگزیده است؛ زیرا نظام عملی و عقیدتی و اخلاقی را آمیخته به یکدیگر بیان می‌کند (قنادی، قرآن‌شناسی، ۱۳۸۶: ۱۴۱)؛ به‌عنوان مثال درجایی موضوعی را بیان می‌کند که به اقتضای آن موضوع ممکن است آیه یا عبارتی را تکرار نماید تا شنونده

و خواننده، برای عمل تحریک شود. مانند آیه: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ... وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ» (النساء/۱)؛ «ای مردم بترسید از پروردگارتان، آن خدایی که شما را از «نفس واحدی» بیافرید... از آن خدایی که به نام او از یکدیگر درخواست می‌کنید پروا نمایید و درباره ارحام کوتاهی نکنید.» در این آیه فرموده: از خدایتان بترسید، از این جهت که نزد شما دارای عزت و عظمت است (چون همه را از یک نفر خلق کرده) و بترسید از وحدت خویشاوندی و ارتباط رحمی که خدا آن را در بین شما قرار داده (و معلوم است که وحدت خویشاوندی و رحمی، یکی از شئون و شعبه‌های وحدت سنخی و نوعی افراد بشر است). با این بیان روشن شد که بدین جهت کلمه «اتَّقُوا» را در یک آیه دو بار ذکر کرد و امر به تقوا را در جمله دوم تکرار نمود که هرچند مضمون جمله دوم تکرار مضمون جمله اول بود، ولی معنای اضافه‌ای را برداشت و آن تشویق به امر ارحام بود، از این رو جمله «اتَّقُوا» را تکرار نمود (طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۴: ۲۱۹/۴).

۲-۳. تثبیت در اذهان

اصولاً تکرار در عرصه اندیشه‌ها و ارائه آرای مشخص به مردم معمولاً به استقرار این اندیشه‌ها و نظریات و تثبیت آن‌ها در اذهان مردم می‌انجامد. تحقیقات روان‌شناسان، اهمیت تکرار در عمل یادگیری را ثابت کرده است. قرآن در خصوص برخی از حقایق مربوط به عقیده و مسائل غیبی که می‌خواهد آن‌ها را در اذهان مردم جا بیندازد، تکرار صورت گرفته است؛ به‌عنوان نمونه در سوره مبارکه نمل عبارت «إِلَهُ مَعَ اللَّهِ» (نمل/ ۶۴-۶۳)، پنج بار تکرار شده است تا عقیده توحید را در اذهان تثبیت کند، یا در سوره هود نیز دعوت به یکتاپرستی و عبادت خداوند یگانه از زبان پیامبران گذشته به ملت‌هایشان، چهار بار ذکر شده است (مهدوی، قصه و نکات تربیتی در قرآن، ۱۳۸۶ ش: ۲۷).

۲-۴. تلقین و آماده‌سازی

نتیجه تکرار و تأکید، تلقین است که اثر آن بر روان انسان غیرقابل انکار است و شاید به همین جهت بر تکرار عبادات و دعاها و... در اسلام تأکید شده است. علت تکرار بعضی از آیات را نیز روایات معصومین علیهم‌السلام بیان کرده‌اند. از جمله امام صادق علیه‌السلام علت تکرار آیات ربا در سوره‌های مختلف از قبیل: سوره بقره، آل عمران، روم و... را آماده‌سازی ثروتمندان برای کار خیر و صدقات دانسته و می‌فرماید: چون از یک سو (ربا) حرام است و از طرف دیگر انباشتن ثروت به صورت راکد نیز حرام است، پس برای ثروتمندان چاره‌ای جز انفاق و یا کارهای تولیدی مفید باقی نمی‌ماند (مغنیه، التفسیر الکاشف، ۱۴۲۴: ۲۰۷/۷).

۵-۲. الگوسازی

در آیات ابتدایی سوره مؤمنون، خداوند ویژگی‌های مؤمنان را بیان می‌کند. یکی از صفات آنان، محافظت بر نماز بوده و به کسانی که نماز را در وقت می‌خوانند و تضییع نمی‌کنند، وعده فلاح و رستگاری داده شده است: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ... وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ» (المؤمنون/ ۱ و ۲ و ۹)؛ «به‌راستی که مؤمنان رستگار شدند، همانان که در نمازشان فروتن‌اند، ... و آنان که بر نمازهایشان مواظبت می‌نمایند». قرآن کریم در این آیات، نماز را در آیه ۲ و ۹ دو بار تکرار کرده است تا همه عظمت و اهمیت نماز را بفهماند (طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۳۲/۱۷) و برای مسلمانان الگویی برای رسیدن به فلاح و رستگاری ارائه نماید.

۶-۲. هشدار

هشدار و القای تحذیر از اهداف تربیتی قرآن کریم است، در مقام تربیت گاه لازم می‌شود، روی یک مسئله مهم، بارها تکیه شود تا روح و جان خواننده را متأثر کرده و او را هشدار دهد و به‌سوی مقاصدی خاص سوق دهد؛ به‌عنوان نمونه در سوره مبارکه قمر ذکر عذابی که کافران را در برمی‌گیرد، سه بار تکرار شده است، «فَكَيْفَ عَذَابِي وَنُذْرِي» (قمر/ ۱۶-۲۱-۳۰). این تکرار، هشدار است به کفار قریش و یادآوری سرنوشت کسانی است که پیامبران گذشته را تکذیب کردند (مه‌دوی، قصه و نکات تربیتی در قرآن، ۱۳۸۶ ش: ۲۷). این آیه شریفه، یک‌بار در قصه ثمود و پیش از بیان عذاب مطرح‌شده تا تبیینی بر آن عذاب باشد و بار دیگر در قصه نوح و پس از بیان عذاب قوم نوح آمده تا تهویل و تعظیم را القاء کند و در قصه عاد پیش و پس از بیان عذاب آمده تا بین تبیین و تهویل و تعظیم جمع نماید (زحیلی، التفسیر المنیر، ۱۴۱۸: ۱۶۸/۲۷)؛ و هدف از همه آن‌ها هشدار به مخاطبان از چنان شیوه زندگی و آن‌چنان عاقبت سوء است.

۷-۲. تنبیه و تذکر و زدودن غفلت

خداوند متعال، در مواضعی که لازم بوده است، مطالب را بیش از یک‌بار به ما انسان‌های فراموش‌کار و غافل گوشزد کند، آیات خود را تکرار فرموده است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۲۳/۱۱۴ - ۱۱۵). به‌عنوان مثال هنگامی که پدری فرزند خطاکارش را مخاطب قرار می‌دهد و می‌گوید: آیا فراموش کردی، کودکی ناتوان بودی و چه خون‌جگرها برای پرورش تو خوردیم؟ آیا فراموش کردی، برای تو همسر مناسب انتخاب کردم؟ آیا فراموش کردی، برای تو مسکن خریدم! تکرار در سوره‌های الرحمن و مرسلات نیز از این قبیل است. در سوره مبارکه الرحمن آیه: «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» (الرحمن/ ۱۳ و ۱۶ و ۲۱ و ...)؛ پس کدام‌یک از نعمت‌های پروردگارتان را

انکار می‌کنید.» چندین مرتبه تکرار شده است؛ این تکرار برای اختلاف فواید است؛ چراکه نعمت‌های مختلف را بیان نموده و نزد هر نعمتی، آیه را با هدف تنبیه و تذکر، بیان و تکرار فرموده است (بروجردی، تفسیر جامع، ۱۳۶۶: ۲۷/۷). هرکدام در ارتباط با به یادآوری نعمت مخصوصی است و مربوط به همان نعمتی است که این جمله دنبال آن ذکر شده و همین‌طور وعید و وعده کیفری که ذکر می‌فرماید - منظور وعده کیفر در برابر هریک از آن اعمال است - و در حقیقت تکراری وجود ندارد (طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۲۲/۲).

۸-۲. تهدید خطاکاران

یکی دیگر از رازهای تکرار کلمات در بعضی سوره‌ها، تهدید است مانند آیه شریفه: ﴿أُولَىٰ لَكَ فَأُولَىٰ ثُمَّ أُولَىٰ لَكَ فَأُولَىٰ﴾ (قیامت/ ۳۵-۳۴). این تکرار، تأکید (حقی برسوی، تفسیر روح البیان، بی تا: ۲۵۷/۱۰) و تهدید و وعید موکد از جانب خداوند به کافران است (زحیلی، التفسیر المنیر، ۱۴۱۸: ۲۷۴/۲۹). غرض از آن زیادت در تهدید (مغنیه، تفسیر الکاشف، ۱۴۲۴: ۴۷۴/۷)؛ و مبالغه در تنبیه و تحذیر است (خطیب، التفسیر القرآنی للقرآن، بی تا: ۱۳۴۳/۱۵). از این رو، تهدید و وعید با غرض تنبیه و تحذیر را می‌توان یکی دیگر از اهداف تربیتی تکرار در قرآن کریم دانست.

۳- تکرار قصص قرآنی

علاوه بر تکرار کلمات، عبارات، جملات و آیات در قرآن کریم، تکرار موضوعات نیز قابل مشاهده است، از میان این موضوعات، می‌توان به قصه‌ها و داستان‌های قرآن اشاره کرد که مورد توجه خاورپژوهان نیز قرار گرفته و شبهاتی را موجب گردیده و گاه این تکرار در قصص بر وجود تناقض و پیچیدگی در قرآن حمل شده است. پرواضح است که عدم توجه به تناسب آیات و سیاق‌های یک سوره، موضوعات محوری در هر سوره و اهداف اصلی و فرعی هر سوره، موجبات طرح چنین شبهاتی را فراهم آورده است؛ که در صورت توجه تام به شیوه بیانی منحصر به فرد قرآن کریم و کشف ارتباط جنبه‌های گفته شده از یک قصه با موضوعات محوری و نیز اهداف هر سوره، موجب رفع و دفع چنین شبهاتی می‌گردد.

پیشینیان با مقایسه این قبیل آیات مکرر و مشاهده اختلاف آنها، کوشیده‌اند نشان دهند که این اختلاف، به غموض یا تناقضی در دلالت متن قرآنی نمی‌انجامد، بلکه حتی این اختلاف نشان‌دهنده اعجاز قرآن است؛ چرا که بر توانایی متن قرآنی در تغییر و تصرف دلالت دارد.

در روش قرآن آنچه که مهم است، تناسب مطلب با هدف تربیتی خاصی است که آیه برای آن آمده است. تکرار یا تقطیع یک داستان نیز برای همین موضوع است (جعفری، تفسیر کوثر، ۱۳۷۶:

۵۰۱/۲). علاوه بر نوع تناسب و ارتباط قصص قرآنی با محورها و اهداف اصلی و فرعی هر سوره که در جای خود باید مورد توجه قرار گیرد، برخی از اهداف عام تکرار قصص را بر اساس اهداف هدایتی عام قرآن کریم، می‌توان احصاء نمود.

مهم‌ترین علت‌های تکرار قصه‌های قرآن در سوره‌های مختلف عبارتند از:

۱-۳. عبرت‌گیری از تاریخ گذشتگان

در قصص قرآنی، پراکندگی و تکرار نقص نیست، بلکه دلیل اصالت دادن به محتوا و فصل‌های عبرت آموز و تجربه دار قصه است، نه اصالت به قالب داستانی (محدثی، هنر در قلمرو مکتب، ۱۳۸۶: ۲۴۰). رخ داده‌های پیشینیان، دیدگاه‌های روشن‌تری را فرا روی ما می‌گشاید و ما را از لغزش‌ها، انحرافات و کامیابی‌های ایشان آگاه می‌کند و این آگاهی، پلی است برای صعود و ترقی ما تا بدین سبب، تجربیات تلخ پیشینیان را در کام خود نیازماییم. از همین روست که در متون دینی، دقت در تاریخ ملت‌های گذشته و تفکر در کرده‌هایشان، مورد تأکید قرار گرفته است. پس عبرت‌اندوزی و پندگرفتن، یکی از مهم‌ترین علت‌های ذکر تاریخ گذشتگان است، به گونه‌ای که خود قرآن کریم بدین مطلب تصریح کرده و فرموده است: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ ...» (یوسف/۱۱۱)؛ «به راستی که در داستان‌های ایشان عبرتی برای صاحبان خرد است.» تکرار داستان زندگی پیامبران و اقوام آن‌ها، بدان جهت است که عبرت‌آموزی از سرنوشت آنان بسیار اهمیت دارد. بازگو کردن سرنوشت پیامبران در جای‌جای قرآن، هشدار است برای دیگران که باید با دقت زندگی آنان را خوانده و از عوامل موفقیت و شکست گذشتگان بهره‌گیرند (سبحانی، منشور جاوید، ۱۳۷۰: ۱/۳۷۴).

به این جهت، بیشتر عبرت‌ها و درس‌ها برای بشر را به خصوص امت اسلام، در سرگذشت قوم حضرت موسی علیه السلام می‌توان یافت؛ زیرا بنی اسرائیل سرپیچی‌های فراوانی داشتند و بیشترین عبرت و درس‌آموزی در سرنوشت این قوم است، خداوند در جای‌جای قرآن کریم به ماجرای این قوم پرداخته است (طبرسی مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۸/۵۲۰).

۲-۳. بیان جنبه‌های مختلف زندگی پیامبران

در قرآن یک موضوع خاص از سرگذشت پیامبران در چند جای قرآن تکرار نشده است؛ بلکه زندگی پیامبران دارای ابعاد گسترده بوده و این ابعاد در مواضع متعدد قرآن آمده است؛ به عنوان مثال، یکی از ابعاد زندگی پیامبران در یک سوره آمده و در سوره دیگر از جنبه‌ای متفاوت مطرح شده است. بیان ابعاد زندگی پیامبران در مواضع متعدد قرآن تکرار محسوب نمی‌گردد (طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۸/۵۲۰).

به عنوان مثال، تکرار قصه موسی علیه السلام با خانواده اش و دیدن آتش در راه بازگشت به مصر که در سوره های مختلف آمده است: (قصص/۲۹؛ نمل/۷؛ طه/۱۰). قصه حضرت موسی در هر سوره با اسلوبی خاص و اضافاتی تازه نقل شده است. آیه ۷ سوره نمل ابتدای داستان های پنج گانه ای است که در این سوره به عنوان استشهاد برای مطالب صدر سوره از قبیل تبشیر و اندازی که در آنها ذکر می کند، است و در سه داستان اول از آن پنج داستان، یعنی در داستان موسی و داوود و سلیمان، جهت وعده را بر جهت وعید غلبه داده و در دو تای دیگر جانب وعید، بیشتر رعایت شده است (طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۴: ۴۸۵/۱۵) و آیه ۲۹ سوره قصص آغاز فصل دیگری از داستان موسی علیه السلام است که در آن، اجمالی از حرکت آن جناب با خانواده اش از مدین به طرف مصر و مبعوث شدنش به رسالت به سوی فرعون و قوم او، برای نجات بنی اسرائیل و تکذیب رسالت وی توسط آنان و سرانجام غرق شدنشان را در دریا آورده تا آنکه در آخر داستان به نزول تورات منتهی می شود که گویا منظور از بیان قصه، همین قسمت آخر است (طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۴: ۴۳/۱۶).

آیه ۹ و ۱۰ سوره طه، داستان موسی علیه السلام را شروع کرده و تا انتهای سوره، چهار فصل از این داستان ذکر شده: اول: چگونگی برگزیدن موسی علیه السلام به رسالت در کوه طور که در وادی طوی واقع است و مأمور کردن وی به دعوت فرعون؛ دوم: با همکاری برادرش، فرعون را به دین توحید دعوت کرد و بنی اسرائیل را نجات داد و علیه او اقامه حجت کرده و معجزه آورد؛ سوم: بیرون آمدن با بنی اسرائیل از مصر و تعقیب فرعون و غرق شدن او و نجات یافتن بنی اسرائیل؛ چهارم: گوساله پرستی بنی اسرائیل و سرانجام کار ایشان و کار سامری و گوساله اش.

در اینجا این سؤال پیش می آید که آیات مورد بحث به چه وجهی متصل به آیات پیشین می شود؟ وجه اتصال این است که آیات پیشین مسئله توحید را خاطر نشان می ساخت: «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى» (طه/۸). این آیات نیز با وحی توحید آغاز شده و نیز کلام دیگرش درباره هلاک فرعون و در نهایت به طرد سامری ختم می شود، آیات قبلی نیز با این تذکر آغاز می شد که قرآن مشتمل بر دعوت حق و تذکر کسانی است که بترسند (طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۴: ۱۸۹/۱۴).

پس با مقایسه ظاهری - کاری که خاورشناسان انجام داده اند - سه آیه شبیه هم بوده و نیازی به تکرار دوباره آن نبوده است؛ ولی با تفکر و تعمق مشاهده می شود، هدف و منظور از بیان سه آیه کاملاً با هم متفاوت است. این گونه برداشت نادرست از تکرار بعضی از آیات، نتیجه درک نادرست از سوی خاورشناسان است که منجر به تعبیر و تأویل متفاوت می شود.

زرکشی به نقل از غزالی می‌نویسد: این مردمان هستند که در متن و تفسیر و تأویل قرآن اختلاف می‌ورزند (زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۴۱۰: ۲/ ۴۸-۴۶)، در صورتی که متن قرآنی، نه از نظر اسلوب و نه در مضمون و دلالت، هیچ اختلافی ندارد. بر همین اساس، موضوع تکرار در قرآن می‌تواند این گونه توجیه شود که آیات تکراری در هر موضوع، وظیفه خاصی غیر از رسالتی که در دیگر مواضع دارند، برعهده گرفته‌اند و در عین حال در بلندای بلاغت، معنای مشخصی به ذهن انتقال می‌دهند و همچنین اعجاز قرآن را می‌رساند؛ زیرا از آن جایی که آیات قرآن کریم به تدریج و در مناسبت‌ها و حادثه‌های گوناگون نازل شد، این حقیقت بیشتر روشن می‌شود که قرآن از سوی خداوند متعال نازل گردید و ساخت آن از قدرت بشر خارج است؛ زیرا مقتضای طبیعت فاصله‌های طولانی در نزول آیات و در عین گستردگی آن، این بود که وقتی آیات در یک جا جمع گردید، - با وجود تکرار بعضی آیات - ناهماهنگی و اختلاف در میان آن‌ها دیده - شود، ولی هرگز اختلافی میان آیات ثابت نشده است.

نتیجه

تکرار بسیاری از آیات قرآن به خاطر آن است که در مسائل تربیتی، گاه شرایط ایجاب می‌کند که یک حادثه را بارها و بارها یادآور شوند، از زوایای مختلف به آن بنگرند و در جهات گوناگون نتیجه‌گیری کنند، نکاتی درباره تکرار موضوعات در قرآن کریم حائز اهمیت است:

اول: گاهی با توجه به شرایط و مقتضیات سخن، تکرار ضرورت پیدا می‌کند؛

دوم: تکرارهای قرآن فایده‌های تربیتی دارد؛

سوم: تکرار در آیات قرآن برای تذکر و پندگیری است؛

چهارم: تکرار کلام حق برای خنثی نمودن وسوسه شیاطین ضروری است؛

در قرآن، تکرار آیات مقاصد تربیتی خاصی را پی می‌گیرد که عبارتند از: هدایت افکار و فطرت‌ها، تحریک افراد، تثبیت در اذهان، تلقین و آماده سازی افراد، الگوسازی، هشدار، تهدید، تنبیه و تذکر و زدودن غفلت از وجدان‌های خفته و جان و دل انسان. این اهداف ایجاب می‌کند که از یک موضوع در موارد مختلفی به طور مکرر سخن به میان آید؛ زیرا بدون یادآوری‌های مکرر، مقاصد یاد شده به دست نمی‌آید. چنین تکراری طبق مقتضیات در راستای اهداف تربیتی قرآن و هدایت و سعادت بشر است.

تکرار داستان‌های قرآن نیز دارای اهدافی خاص است؛ از قبیل: عبرت‌اندوختی و پندگرفتن از تاریخ گذشتگان و بیان جنبه‌های مختلف زندگی پیامبران. بر این اساس، موضوع تکرار در قرآن می‌تواند این گونه توجیه شود که آیات تکراری در هر موضوع، وظیفه خاصی غیر از رسالتی که در دیگر جاها دارند، بر عهده گرفته‌اند و در عین حال در بلندای بلاغت، معنای مشخصی به ذهن انتقال می‌دهند.

پی‌نوشت‌ها

[۱] Blackwell نام انتشاراتی است که کتاب مورد بررسی در آن به چاپ رسیده است.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه حسین انصاریان، آیین دانش، قم: ۱۳۸۸ ش.
۲. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، دارالقرآن الکریم، قم: ۱۳۷۳ ش.
۳. شریف رضی، نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، نشتا، قم: ۱۳۸۸ ش.
۴. بروجردی، سید محمد ابراهیم، تفسیر جامع، انتشارات صدر، تهران: ۱۳۶۶ ش.
۵. ثعالبی مالکی، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر جواهر الحسان فی تفسیر القرآن (تفسیر ثعالبی)، دار التراث العربی، بیروت: ۱۴۱۸ ق.
۶. جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر، انتشارات هجرت، قم: چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.
۷. جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم، قرآن در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم: چاپ دوم، ۱۳۷۸ ش.
۸. —، تفسیر تسنیم، مرکز نشر اسراء، قم: چاپ اول، ۱۳۸۳ ش.
۹. حقی بروسوی، اسماعیل، تفسیر روح البیان، دارالفکر، بیروت: بی تا.
۱۰. خطیب، عبدالکریم، التفسیر القرآنی للقرآن، دارالفکر العربی، بیروت: بی تا.
۱۱. زحیلی، وهبة بن مصطفى، التفسیر المنیر، دارالفکر المعاصر، بیروت/دمشق: ۱۴۱۸ ق.
۱۲. زکشی، محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، دارالمعرفة، بیروت: ۱۴۱۰ ق.
۱۳. سبحانی، جعفر، منشور جاوید، مؤسسه امام صادق (ع)، قم: ۱۳۷۰ ش.
۱۴. طباطبایی، محمدحسین، تفسیرالمیزان، ترجمه: محمدباقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم: قم: ۱۳۷۴ ش.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران: ۱۳۷۲ ش.
۱۶. قرائتی، محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران: ۱۳۸۳ ش.
۱۷. قرشی، سید علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، بنیاد بعثت، تهران: ۱۳۷۷ ش.
۱۸. قنادی، صالح، قرآن شناسی، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر نشر معارف، تهران: چاپ چهارم، ۱۳۸۶ ش.
۱۹. کاشانی، ملا فتح الله، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، کتابفروشی علمی، تهران: ۱۳۳۶ ش.

۲۰. لسانی فشارکی، محمدعلی و مرادی زنجانی، روش تحقیق موضوعی درقرآن کریم، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان: ۱۳۸۹ ش.
۲۱. محدثی، جواد، هنر در قلمرو مکتب، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم: چاپ چهارم، ۱۳۸۶.
۲۲. معرفت، محمد هادی، تناسب آیات و سور، ترجمه: عزت‌الله مولائی نیا همدانی، بنیاد معارف اسلامی، قم: ۱۳۷۳ ش.
۲۳. مغنیه، محمد جواد، التفسیر الکاشف، دارالکتب الاسلامیه، تهران: ۱۴۲۴ ق.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الإسلامیه، تهران: ۱۳۷۴ ش.
۲۵. مهدوی، سید سعید، قصه و نکات تربیتی در قرآن، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم: چاپ دوم، ۱۳۸۶ ش.

26. AbdullahSaeed" Contextualizing ", The Blackwell Companion to the Quran, Oxford, 2006.
27. Christopher Buck " Discovering ", The Blackwell Companion to the Quran, Oxford, 2006.